

چگونگی حج و عمره و زیارت با دعا

تهیه و تنظیم:

دفتر علمی بنیاد هدیه به حجاج

ترجمه:

إسحاق دبیری رحمته

چاپ و نشر

وزارت شؤون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد

عربستان سعودی

عنوان کتاب: چگونگی حج و عمره و زیارت با دعا

تهیه و تنظیم: دفتر علمی بنیادهدیه به حجاج

ترجمه: إسحاق دبیری رحمته

موضوع: فقه و اصول - احکام عبادات (نماز، روزه، زکات و حج)

نوبت انتشار: اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار: آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

منبع: کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- فهرست مطالب..... ۱
- مقدمه ۱
- فضیلت حج و عمره ۳
- حکم حج و عمره ۵
- شروط قبول حج: ۵
- انواع نسکها ۹
- نسک اول: تمتع: ۹
- نسک دوم: قران: ۱۰
- نسک سوم: افراد: ۱۰
- میقات گاهها چنین هستند ۱۳
- ذو الحلیفه: ۱۳
- الجحفه: ۱۳
- قرن المنازل: ۱۳
- یلملم: ۱۴
- ذات عرق: ۱۴
- اعمالی که حاج و معتمر در میقات انجام می دهد ۱۵

- ۱۷..... محظورات احرام
- ۲۱..... دخول مکه و مسجد الحرام
- ۲۳..... طواف عمره
- ۲۷..... بعضی از اشتباهات و خطاها در اثنای طواف
- ۲۸..... سعی عمره
- ۳۰..... آخرین اعمال عمره
- ۳۱..... اعمال حاج در روز ترویبه (۸ ذی حجه)
- ۳۲..... اعمال روز عرفه (۹ ذی حجه)
- ۳۳..... اشتباهاتی که در روز عرفه رخ می دهد
- ۳۷..... ماندن شب در مزدلفه:
- ۳۹..... اعمال روز ۱۰ ذی حجه (روز عید)
- ۴۵..... اعمالی که حاج در روزهای تشریق انجام می دهد
- ۴۷..... طواف وداع
- ۴۹..... زیارت مسجد رسول الله ﷺ
- ۵۷..... ادعیه ثابت از قرآن و سنت رسول الله ﷺ

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه، الحمد لله جعل البيت الحرام مثابة للناس وأمناً، تهفو إليه قلوب عباده المؤمنين، والصلاة والسلام على الحبيب المصطفى خير من حج البيت واعتمر، المبعوث رحمة للعالمين، أدى الأمانة، ونصح الأمة، وجاهد في الله حق جهاده، أرسله الله بالإسلام، يهدى به العباد ويخرجهم من ظلمات الكفر والشرك، إلى شمس الإسلام وسراج المنير.

قال الله تعالى: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾﴾ [الشورى: ٥٢].

«و همچنين (قرآن را به مثابه) روحی از کلام خود به تو وحی کردیم. نمی دانستی که کتاب و ایمان چیست. ولی آن (وحی) را نوری گردانده ایم، با آن هرکس از بندگانمان را که بخواهیم هدایت می کنیم. و بی گمان تو به راه راست هدایت می کنی.»

خدایا! سپاس برای تو است که دین را شرع نمودی، و سپاس برای تو است که فرمان دادی، و سپاس برای تو است که آسان گردانیدی و سرنوشت نمودی.

برادر مسلمان!

مکه مکرمه بهترین زمین و محبوبترین جا نزد خداست، در آن مسجد الحرام و کعبه مشرفه وجود دارد که خدا آن را قبله مسلمانان قرار

داده‌است، و تمامی مردم در هر شبانه روز پنج بار برای اطاعت از خدا و اجابت ندای حق بسوی آن رو می‌کنند، مکه مهد انبیاء و مقام پدرمان ابراهیم علیه السلام و مبعث پیامبرمان محمد صلی الله علیه و آله است.

تو ای برادر هنگامی که در کشور خود بودی، و به سوی مکه مکرمه و کعبه مشرفه نماز می‌خواندی، و مردم را می‌دیدی که در حرم نماز می‌خوانند، و از خدا می‌خواستی که تو نیز یکی از آن مردمی باشی که در حرم هستند، چنان که آنان دور کعبه طواف می‌کنند، تو نیز طواف کنی، و نماز بخوانی چنان که آن‌ها نماز می‌خوانند، و آب زمزم بنوشی، و سعی بین صفا و مروه بکنی، و خدا را در بهترین مکان عبادت کنی.

ای برادر مسلمان! خدا را دعا کردی تا حج و عمره را برایت میسر گردانید، و دعایت را اجابت کرد، و آسان گردانید، و خواسته‌ات را برآورده کرد، پس خدا را سپاس، تو در حال حاضر راهی خانه خدا هستی، و ای برادر حق تو بر ما این است که تو را در این سفر همراهی کنیم، و از آغاز سفر خود به بلد الحرام، تا رجوع به سوی خانواده ات با سلامتی و اجر و پاداشی فراوان، چگونگی حج و عمره را برایت بیان کنیم.

فضیلت حج و عمره

حج و عمره برای کسی که نیت خود را برای خدا خالص کند، و اعمال آن را بطوری که در قرآن و سنت شریف آمده انجام دهد، فضیلت بسیار بزرگی را دارد.

ابو هریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «مَنْ أَتَى هَذَا الْبَيْتَ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»^۱.

«هر کس به زیارت این خانه (کعبه) بیاید، و با زن خود نزدیکی نکند، و مرتکب معصیت و گناهی نشود، چنان از گناهانش پاک می‌شود، که گوئی تازه از مادرش متولد شده است».

یعنی چنان رجوع می‌کند مانند کودکی که هیچ گناهی انجام نداده است.

ابو هریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: «الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا، وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ»^۲.

«عمره تا عمره دیگر کفاره گناهانی است که بین آن انجام می‌شود، هیچ جزا و پاداشی برای حج مبرور جز بهشت نیست».

صفت حج مبرور برادر مسلمان چنین است که هیچ ریا، سمعی، گناه و معصیتی در آن نباشد، و آن را بر وجه کامل چنانکه خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله امر کرده‌اند انجام داده باشد.

۱- مسلم.

۲- متفق علیه.

حکم حج و عمره

حج رکن پنجم از ارکان اسلام است، و تمامی امت اسلام از عصر نبوت بر وجوب حج اقرار دارند و آن هم بر مسلمان بالغ و عاقل و آزاد که استطاعت مالی و بدنی داشته باشد، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۹۷].

«و حج این خانه واجب الهی است بر کسانی که توانائی (مالی و بدنی) برای رفتن بدانجا را دارند. و هر کس (حج خانه خدا را بجای نیاورد، یا اصلاً حج را نپذیرد، و بدینوسیله) کفر ورزد (به خود زیان رسانیده نه به خدا) چه خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.»

اما عمره - ای برادر مسلمان - در قول صحیح از اقوال علماء فقط یکبار در عمر واجب است، حال اینکه این عمره با حج باشد، یا اینکه تنها انجام شود، یعنی در غیر وقت حج، در هر وقت از سال، و بر مسلمان بالغ و عاقل که توشه و راه رسیدن به مکه داشته باشد، واجب است.

شروط قبول حج:

برادر مسلمان! حج و عمره عبادتی برای خدای عزوجل است، و هر عبادت کوچک یا بزرگ قبول نمی‌شود مگر با دو شرط مهم، تا اینکه خشنودی خدا و بهشت را کسب نمائی.

شرط اول: اینکه عبادت خالصاً برای رضا و خشنودی خدا باشد، هیچ کس از مخلوقات خدا را در آن شریک قرار ندهد.

خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: «أَنَا أَعْنَى الشَّرْكَاءِ عَنِ الشَّرْكِ مَنْ عَمَلَ عَمَلًا أَشْرَكَ فِيهِ مَعِيَ غَيْرِي تَرَكَتُهُ وَشْرَكَهُ»^۱.

«من از کسانی که برایم شریک قائل می‌شوند بی‌نیازترین شریکان هستم، هرکس عملی انجام دهد و با من کسی دیگر را شریک قرار دارد، او و شرکش را ترک خواهم کرد».

یعنی خدا از بنده‌اش عملی را که در نیت آن کسی را شریک قرار داده، قبول نمی‌کند، و من جمله به جای آوردن حج یا عمره برای اینکه مردم ببینند یا بشنوند (قصدش شهرت باشد)، چون که همه این‌ها اعمال را نابود می‌کند، پس ای برادر از این برحذر باش.

شرط دوم: پیروی کردن از پیامبر ﷺ.

هر عبادتی که خدا به آن امر فرموده آن حضرت ﷺ صفت و چگونگی آن را به ما می‌آموزد، و آن را در کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ می‌بینیم. و هیچ عبادتی نیست مگر اینکه صفت خاصی دارد، مثلاً نماز صفت خاصی دارد، و همچنین زکات، روزه رمضان، حج و سایر عبادت‌ها ویژگی خاصی دارند.

و رسول الله ﷺ مناسک حج را ادا می‌کردند، و می‌فرمودند: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكُمْ»^۲. «از من مناسک و راهنمای حج خود را بیاموزید».

یعنی بنگرید من در اعمال حج و عمره چه می‌کنم، شما هم به من تأسی و اقتدا کنید.

و از هر چیزی بطور اضافی در دین بر حذر میداشتند، چنانکه فرمودند:

۱- مسلم.

۲- مسلم با الفاظ مقارب.

«مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ»^۱.

«هرکس عملی انجام دهد که امر و فرمان ما بر آن نیست، آن عبادت مردود است».

یعنی هر عبادتی که بر آئین خدا و رسول خدا ﷺ نباشد، آن عبادت مردود و غیر قابل قبول است.

ای برادر مسلمان! این دو شرط را در تمامی عبادت‌ها مد نظر داشته باش، و در حج و عمره بدان که مهمترین چیزی که بر تو واجب است، این است که متأكد شوی آیا آن را با اخلاص انجام داده‌ای؟ آیا حج و عمره را چنانکه خدا و رسولش ﷺ امر کرده‌اند انجام داده‌ای؟

خدایا! تمامی اعمال ما را خالص برای رضا و خشنودی خود قرار بده. خدایا! ما در آن هیچ ریا و سمعی نمی‌خواهیم، و آن را چنانکه تو و رسالت امر کرده اید انجام می‌دهیم، آمین.

ای برادر مسلمان! اگر عزم سفر بسوی خانه خدا برای ادای حج کردی، توشه و نفقه خود را از مال پاک و حلال قرار ده، و با دوستان خوب و صالح و نیک که تو را بر طاعت و فرمان خدا کمک می‌کنند، سفر کن، و احکام خاص به حج را بیاموز، تا در اشتباهاتی که حج ات را فاسد کند نیفتی، و اگر به اشتباه و اشکالی برخورد کردی از علماء سؤال کن، چنان که رسول الله ﷺ فرمودند: که علما وارثان انبیاء هستند^۲.

برادر! یادآوری می‌کنیم که در داخل مسجد الحرام و مشاعر مقدسه دفترهایی ویژه فتوا و ارشاد اسلامی و تلفن‌هایی ویژه زنان وجود دارد که هنگام سؤال و اشکال و اشتباهات در مورد حج و عمره و مسایل شرعی

۱- مسلم.

۲- أبوداود.

می‌توان با آن‌ها تماس گرفت، خداوند پاداش خیر به قائمین بر آن‌ها بدهد. بر زنان واجب است که با کسانی که محرم او هستند سفر کنند مانند: پدر، برادر، پسر، شوهر، و مانند این‌ها، و اگر تنها و بدون محرم سفر کند، حج او صحیح، ولی گناه‌کار است.

و الآن ما و شما در رحاب و وسعت (فراخی) این دین عظیم، و احکام عبادتی از عبادات بزرگ داخل میشویم، پس با تو سفر بسوی بهترین مکان را در زمین شروع می‌کنیم، زمینی که خدا در آن برکت فرستاده، و آن را آمن و امان قرار داده است، و کسانی که در آن هستند ایمن می‌باشند، بسوی بیت الله الحرام.

انواع نسکها^۱

برادر مسلمان! برای حج سه نسک است که حاج یکی از آنها را اختیار می‌کند، و هر کدام را که انجام دهد حج او صحیح است، و نسکها چنین می‌باشد:

نسک اول: تمتع:

حاج برای عمره در یکی از ماههای حج احرام میبندد، و ماههای حج عبارتند از: شوال، ذی قعدة، ده روز از اول ذی حجه، و می‌گوید: لبیک عمره، سپس اعمال عمره را بطور کامل انجام می‌دهد، و هرگاه طواف و سعی انجام داد و سر را تراشید یا کوتاه کرد عمره او پایان رسیده و همه چیز که قبل از احرام بر او حرام شده بود، حلال می‌گردد.

سپس روز هشتم ذوالحجه از جای سکونت خود فقط برای حج، احرام می‌بندد، و می‌گوید: لبیک حجاً، و بر تمتع یک گوسفند و یا یک هفتم شتر و یا یک هفتم گاو هدی^۲ واجب است، اگر پیدا نکرد سه روز در حج و هفت روز بعد از رسیدن به خانواده روزه می‌گیرد.

بنابر صحیح‌ترین اقوال علماء، حج تمتع بهترین سه نسک بشمار میرود، آن هم برای کسیکه قربانی با خود همراه ندارد، زیرا پیامبر ﷺ بعد از اینکه بین صفا و مروه سعی نمودند فرمودند: «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ لَيْسَ مَعَهُ هَدْيٌ

۱- نسک: منسک، راه دین و روش عبادت، (فرهنگ بزرگ جامع نوین).

۲- هدی در زبان فارسی شکرانه گویند، آن حیوانی که در صحرای منی ذبح می‌شود.

فَلْيَجَلَّ وَأَلْيَجْعَلْهَا عُمْرَةً^۱.

«هرکس از شما با خود هدی همراه ندارد از احرام بیرون بیاید و آن را به عمره تبدیل کند».

چون حاج در سفر خود حج و عمره را با هم جمع کرده است.

نسک دوم: قران:

حاج برای انجام حج و عمره با همدیگر در ماه‌های حج در میقاتگاه نیت کرده، می‌گوید: «لبيك عمرة وحجاً»، و وقتی به مکه رسید طواف عمره کرده و برای حج و عمره فقط یک سعی می‌کند، و اگر خواست سعی حج را به بعد از طواف افزوده بتأخیر می‌اندازد، سپس بر احرام خود باقی مانده سر خود را تراشیده یا کوتاه نمی‌کند تا اینکه روز هشتم ذوالحجه به منی رفته و باقی نسک خود را به پایان می‌رساند.

و قارن مانند متمتع هدی بر او واجب است، و اگر هدی پیدا نکرد (یا نتوانست) سه روز در حج و هفت روز بعد از رسیدن به خانواده روزه می‌گیرد.

نسک سوم: افراد.

حاج فقط برای حج در ماه‌های حج نیت کرده و احرام می‌بندد و می‌گوید: «لبيك حجاً»، و شخص مفرد عمل قارن را انجام می‌دهد جز اینکه قارن بر او هدی واجب است، ولی مفرد چنین نیست چون مانند متمتع و قارن بین حج و عمره با هم جمع نکرده است.

و حاج بین سه نسک گذشته مخیر است، ولی برای کسیکه با خود هدی همراه ندارد حج متمتع بهتر است، چنانکه قبلاً ذکر شد.

برادر مسلمان! اگر بسوی خانه خدا، بیت الله الحرام، متوجه شدی، و قصد انجام حج و عمره را داشتی اولین چیزی که باید انجام دهی؛ نیت کردن از میقات است. آن هم نیت دخول به حج یا عمره.

و هرکس بخواهد به مکه برود و قصد حج یا عمره دارد باید از میقات نیت کند.

میقات جاهای معلومی است که رسول الله ﷺ برای کسانی که از تمامی نقاط زمین قصد زیارت خانه خدا را دارند تعیین کرده است، و قبل از رسیدن به بیت الله الحرام از آنجا نیت می‌کنند.

میقات گاه‌ها چنین هستند

ذو الحلیفه:

میقات اهل مدینه، و کسانی که از آن راه به مکه می‌روند، تا مسجد النبوی (۱۳) کیلومتر فاصله دارد، و آن دورترین میقات از مکه می‌باشد، که تا مکه (۴۲۰) کیلومتر فاصله دارد، و در حال حاضر آن را آبیار علی رضی الله عنه می‌نامند.

الجحفه:

قریه‌ای نزدیک به شهر رابغ است، در حال حاضر مردم از رابغ نیت می‌کنند، چون کمی قبل از جحفه می‌باشد، و تا مکه (۲۸۰) کیلومتر فاصله دارد، و آن هم میقات اهل شام و مصر و شهرهای شمالی عربستان سعودی، و کشورهای آفریقای شمالی و غربی، و کسانی که از آن راه بروند می‌باشد.

قرن المنازل:

آن را سیل الکبیر می‌نامند، و تا مکه (۷۸) کیلومتر فاصله دارد، و آنجا میقات اهل نجد، تمامی اهالی شرق عربستان (شیخ نشینان خلیج)، عراق، ایران، و کسانی است که از آن راه می‌روند، و در حال حاضر مقابل و برابر آن (وادی محرم) که در جاده (الهدا) غربی شهر طائف، که تا مکه (۷۵) کیلومتر فاصله دارد، میقات اهل طائف، و کسانی است که از آن راه می‌روند و در حقیقت میقات مستقلی نیست.

یلملم:

در حال حاضر (السعديه) نام دارد، و تا مکه (۱۲۰) کیلومتر فاصله دارد، و آنجا میقات اهل یمن و کسانی است که از آن راه می‌روند.

ذات عرق:

میقات اهل عراق و ساکنان مشرق عربستان است، در حال حاضر بسبب عدم وجود راه بسوی آن مهجور می‌باشد، و تا مکه (۱۰۰) کیلومتر فاصله دارد، و در حال حاضر مردم از سیل کبیر، و یا از ذوالحلیفه نیت (احرام) می‌بندند.

اما ساکنان مکه برای ادای حج از خانه‌های‌شان، و برای عمره از تنعیم^۱، یا هر جایی خارج از حدود حرم نیت می‌کنند.

هرکس قبل از این میقات‌ها سکونت داشته باشد، مانند: ساکنان شهر جده، بحرہ، شرائع، و غیر از این‌ها، برای حج و عمره از خانه‌هایشان نیت می‌کنند.

بر هر مسلمانی که قصد حج دارد و بر این میقات‌ها عبور می‌کند واجب است که از آنجا احرام و نیت ببندد، و اگر از آن عبور کرد و قصد حج را داشت و نیت نکرد، واجب است که به آن میقات برگشته و نیت کند، اگر اینکار را نکرد، فدیہ بر او واجب می‌شود، و آن گوسفندی است که باید در مکه ذبح شود و بین فقراى حرم توزیع گردد، و هرکس در حالت فراموشی و یا در حال خواب از میقات عبور کرده و نیت نکرد، هرگاه به یادش آمد واجب است که به میقات برگردد، و اگر این کار را نکند - چنانکه گذشت - بر او فدیہ واجب است.

۱- تنعیم: در حال حاضر آن را مسجد عایشه‌ل گویند.

اعمالی که حاج و معتمر در میقات انجام می‌دهد

برادر مسلمان! هرگاه از راه ماشین و غیره به میقات رسیدی، سنت است که غسل کرده، تمامی بدن خود را معطر، و اگر میسر شد ناخن‌های خود را کوتاه کن، سپس لباس احرام بپوش (دو عدد ازار و رداء سفید و بهتر است که نو، و یا نظیف و پاک باشد).

واجب است که لباس احرام بدون عطر و بوی خوش باشد در غیر این صورت باید عطر و بوی خوش آن شسته شود.

زن لباس معین و سنتی ندارد، بلکه هر لباسی که خواست می‌پوشد، لکن لباسی محتشم (بدون زینت) می‌پوشد، و از اسباب فتنه خودداری می‌کند، و زن اگر بر مردان (غیر محرم) عبور می‌کند عطر و بو خوشی استعمال نمی‌کند.

برادر مسلمان! مستحب است که بستن احرام و نیت، بعد از یکی از نمازهای فریضه باشد، و اگر در غیر وقت نماز فریضه بود، دو رکعت نماز سنت وضوء را ادا می‌کنی.

اگر از تمامی این‌ها فارغ شدی نیت کرده و می‌گویی: «لَبَّيْكَ عُمْرَةً»، اگر متمتع باشی، و یا می‌گویی «لَبَّيْكَ عُمْرَةً وَحَجًّا»، اگر قارن باشی، و یا می‌گویی: «لَبَّيْكَ حَجًّا» اگر مفرد باشی، سپس تلبیه می‌گویی چنانکه رسول الله ﷺ گفتند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ»^۱.

«گوش بفرمانم، ای الله، گوش بفرمانم، تو شریکی نداری، گوش بفرمانم، همانا ستایش و نعمت و سلطنت از آن تو است و تو شریکی نداری».

ای برادر مسلمان! اگر قدوم تو از طریق دریا، و یا هواپیما بیایی، معمولاً خلبان و ناخدا هنگام نزدیک شدن به میقات مردم را آگاه می‌کند، تا برای بستن احرام و نیت کردن آماده شوند، و هرگاه به مقابل میقات رسیدند نیت حج می‌کنند، چنان که قبلاً ذکر کردیم.

و هیچ اشکالی ندارد که در این حال قبل از خارج شدن از خانه لباس احرام پوشیده شود، و به هواپیما و یا کشتی سوار شوید، و هرگاه به مقابل میقات رسیدید نیت دخول به نسک کرده و تلبیه بگوئید.

و باید حاج بسیار تلبیه بگوید، و صدای خود را با گفتن آن بلند کند، ولی زن صدای خود را بلند نمی‌کند، بلکه با خود تلبیه می‌گوید، به اندازه‌ای که خود و اطرافیان خود بشنوند، و همچنان تلبیه می‌گوید تا اینکه طواف عمره را شروع نماید. و برای حاج تا اینکه جمره العقبة را در روز عید رمی کند.

محظورات احرام

برادر حاج! داخل شدن تو در منسک حج و عمره چیزهائی بر تو حرام می‌گرداند که آن را محظورات احرام می‌نماید، که عبارتند از:

۱- از بین بردن مو با تراشیدن و یا غیره، کوتاه کردن ناخن‌های دست و پا، و اگر محرم احتیاج داشت جایز است سر خود را بخاراند، و اگر موئی بدون قصد یا بطور فراموشی و یا بطور نادانی از سرش افتاد، چیزی بر او واجب نیست.

۲- عطر در لباس و یا در بدن و غیره استعمال نمی‌کند، اما عطری که قبل از نیت در بدن و سر خود استعمال کرده بود، ماندن آن بعد از احرام اشکالی ندارد.

۳- محرم با زن خود نزدیکی و همبستر نمی‌شود، و با شهوت مباشرت نمی‌کند، و او را بوسه نمی‌دهد، و با شهوت به او نمی‌نگرد، و محرم خواستگاری نمی‌کند، و عقد نکاح چه برای خود و چه برای دیگران انجام نمی‌دهد، تا هنگامیکه محرم است.

۴- محرم دستکش نمی‌پوشد.

۵- محرم از کشتن حیوان یا اذیت و کمک به صید چیزی منع شده است، مانند: خرگوش، کبوتر و اگر صید داخل حدود حرم باشد بر همه کس چه محرم یا غیر محرم حرام است.

۶- بر مرد پوشیدن قمیص (جامه) یا هرگونه دوختنی بر تمامی جسم، و یا بر بعضی از آن حرام است، مانند: زیر شلوار، پیراهن داخلی، عامه، کلاه، و موزه، ولی اگر کسی احرامی ندارد، یا فراموش کرده بود و در هواپیما بود، هر لباسی را بصورت ازار بپوشد، و اگر پیدا

نکرد زیر شلوار می‌پوشد، و همچنین اگر نعلین پیدا نکرد، موزه (خف) می‌پوشد، و این شاء الله هیچ اشکالی در آن نیست. و محرم می‌تواند هر نعالی که احتیاج داشته باشد بپوشد، و همچنین ساعت مچی، انگشتر، عینک، گوشی و کمربندی که پول و چیزهای دیگر در آن نگه می‌دارد اشکالی ندارد.

۷- بر مرد محرم پوشیدن سر با چیزی که به آن چسپیده باشد مانند احرامی، و عمامه و غتره (دستمال)، و کلاه حرام است. ولی اگر چتر، یا خیمه، یا سقف ماشین، یا امتعه خود را بر بالای سر حمل کند، اشکالی ندارد، و اگر محرم سر خود را از روی فراموشی و یا جاهلانه پوشید، در حال تذکر باید آن را از سر بردارد، و هیچ چیزی بر او واجب نمی‌شود.

۸- بر زن محرم حرام است که دستکش بپوشد، و چهره خود را با نقاب (روبند) پوشیده و چشمه‌پایش را باز کند، همه این‌ها در وقت احرام حرام است، بلکه بر زن واجب است که صورت خود را با روپوش شرعی (اسلامی) در حال عبور بر مردها، یا عبور مردها بر او در تمامی حالت‌ها؛ چه در حالت احرام و چه در غیر آن، بپوشاند. کندن و بریدن درختان و گیاهان (کاشته نشده) حرم بر محرم و غیر محرم حرام است، و هر چیزی که در حرم پیدا شود نباید برداشت مگر برای معرفی کردن آن.

برادر ممکن است احتیاج به تغییر لباس احرام و یا پاک کردن آن، و یا شستن سر و بدن خود داشته باشی، هیچ اشکالی در این‌ها نیست، اگر هم موئی بدون عمد افتاد بر تو چیزی واجب نمی‌شود.

حاج گرامی! هنگام داخل شدن در نسک بر تو واجب می‌شود که از گناهان دوری کنی، و ذکر خدا و تلبیه را بسیار بگوئی، و از غیبت و عیب

جوئی، و سخن چینی، و دعوا که بسیار میان بعضی از مردم رخ می‌دهد - خدا آن‌ها را هدایت کند - و حج و عمره را فاسد می‌کند برحذر باش. همچنین بر تو واجب است که چشمان خویش را فرو گیری، و گوش خویش را از شنیدن حرام نگه داری، و به سوی خدای خود توجه کنی، و تلبیه را ادامه داده و ذکر و یاد خدا کرده و قرآن تلاوت نمایی، فقط به عبادت و ذکر خدا مشغول باش، از خدا برای تو خواهان قبول و یاری هستیم، و از خدا بهترین اعمال و بهترین حاجات خواهانیم.

دخول مکه و مسجد الحرام

برادر مسلمان! رسول الله ﷺ وقتی به مکه مکرمه رسیدند غسل نمودند^۱. پس هنگام رسیدن به مکه مکرمه غسل نمودن سنت است، و نزدیک حرم اماکن بسیاری برای وضوء و غسل آماده شده است، از خدا خواهانیم اجر کسیکه به این اماکن امر کرده تا برای میهمانان خانه خدا آماده شود در ترازوی اعمال نیک او قرار دهد.

بعد از آن برای انجام ادای عمره به مسجد الحرام رفته به سوی کعبه متوجه می‌شوی در حالیکه تلبیه می‌گوئی.

در حال دخول به مسجد الحرام پای راست خود را جلو گذاشته و می‌گوئی: «بِسْمِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ^۲ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ^۳ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»^۴.

«به نام خدا و درود و سلام بر رسول الله ﷺ، الهی! درهای رحمت خود را بر من بگشا، به خداوند بزرگ و وجه و روی گرامی، و قدرت قدیم و و ازلی او، از بدی شیطان رانده شده پناه می‌برم»
و این دعا در هنگام دخول همه مساجد گفته می‌شود.

۱- متفق علیه.

۲- ابن السنی و صححه الالبانی.

۳- مسلم.

۴- أبوداود و صححه الالبانی.

سپس بسوی کعبه رفته تا طواف عمره را شروع کنی، و واجب است که با وضوء باشی، و بر مرد سنت است که احرام خود را بطور (اضطباع)^۱ تا آخر طواف بپوشد، یعنی وسط رداء را زیر بغل راست کرده و شانه خود را آشکار نماید، و دو طرف آن را بر شانه چپ قرار دهد. و تلبیه با شروع به طواف قطع می‌شود.

۱- اضطباع: یعنی وسط رداء را زیر بغل راست کرده و شانه خود را آشکار نماید، و دو طرف آن را بر شانه چپ قرار دهد. رداء همان احرامی است که حاج بر بدن می‌پوشد.

طواف عمره

توصیف طواف عمره: به حجر الأسود آمده و با دست راست آن را گرفته بوسه دهد، و اگر استلام^۱ آن میسر نشد با دست راست بسوی آن اشاره کرده و لازم نیست دست خود را بوسید، و می‌گوید: الله أكبر^۲، اگر بگوید بسم الله، والله أكبر بهتر است^۳، و در آغاز طواف گفتن این دعا مستحب است: «اللَّهُمَّ إِيَّانَا بِكَ وَتَّصَدِيقًا بِكِتَابِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَاتِّبَاعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^۴.

«بار الهی! با ایمان به تو، و تصدیق به کتاب تو (قرآن)، و وفا نمودن به عهد و پیمان تو، و پیروی از سنت پیامبر تو محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شروع می‌کنم».

برای عمره کننده بهتر این است که مزاحم مردم نشود، و آن‌ها را هل ندهد، و آن‌ها را کتک نزد و دشنام ندهد و آزار و اذیت نکند، چون این‌ها اشتباهاتی است که با آن هیبت و عظمت عبادت از بین می‌رود.

سپس طواف را هفت شوط^۵ از نزد حجر الأسود شروع کرده، کعبه را بر

۱- استلام: دست کشیدن به چیزی، استلام حجر: دست مالیدن به حجر الأسود در ضمن مناسک حج. (فرهنگ فارسی عمید).

۲- بخاری.

۳- [موقوف بر ابن عمر، رواه البیهقی ۷۹/۵، وابن حجر: التلخیص الحبیر ۲/۲۴۷، با سند صحیح].

۴- منبع سابق.

۵- شوط: هر بار که شخص دور کعبه طواف کند (فرهنگ فارسی عمید).

دست چپ خود قرار دهد، استغفار کنان و دعا کنان به هر چه بخواهد، و یا تلاوت قرآن، همه این‌ها بدون بلند کردن صدا باشد، نه چنانچه بعضی از مردم آن را انجام می‌دهند و صدای خود را بلند می‌کنند، چون این باعث تشویش برادران دیگر می‌شود.

اگر به رکن الیمانی رسیدی و گرفتن آن میسر شد، با دست راست آن را بگیر، ولی آن را نبوس و به آن مسح مکن، چنانچه بعضی مردم انجام می‌دهند، چون این از رسول الله ﷺ وارد نشده است، و اینرا در هر شوط از طواف انجام می‌دهی، و اگر گرفتن رکن الیمانی میسر نشد بدون اشاره و بدون گفتن تکبیر عبور کن.

سنت است که بین رکن الیمانی و حجر الأسود این دعا را بگویی: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].
«پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا فرما و ما را از عذاب دوزخ، نجات ده».

و همچنین هفت دور را با شروع از حجر الأسود و با انتهای به آن انجام دهد، و با عبور به حجر الأسود آن را گرفته و می‌بوسد، و می‌گوید: الله أكبر، و اگر گرفتن و بوسیدن آن میسر نشد، وقتی به مقابل آن رسید با دست راست به آن اشاره کرده و یکبار تکبیر می‌گوید.

در سه شوط اول طواف قدوم کمی تندتر راه برود، که آن را الرمل^۱ گویند، و اگر میسر نشد اشکالی ندارد، چون سنت است.

برادر مسلمان! اگر طواف را به پایان بردی، شانهات را بپوشان، و سنت

همچنین هر بار رفتن از کوه صفا به کوه مروه یک شوط، و از کوه مروه و به کوه صفا یک شوط (مترجم).

۱- الرمل: یعنی کمی دویدن با نزدیکی پاها (مترجم).

است که اگر میسر شد دو رکعت نماز به صورت کوتاه، در پشت مقام ابراهیم ادا کنی، و اگر بسبب ازدحام پشت مقام ابراهیم میسر نشد، در هر جا از حرم آن را ادا کن، در رکعت اول بعد از فاتحه سوره کافرون ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ و در رکعت دوم بعد از فاتحه سوره اخلاص ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ خوانده می‌شود، و اگر غیر از این دو سوره خوانده شد اشکالی ندارد.

بدان که رسول الله ﷺ هنگام پایان بردن طواف به چاه زمزم رفته و از آن نوشیدند، پس مستحب است هرگاه از طواف فراغت یافتی به چاه زمزم رفته و از آب آن بنوشی، یا از کلمن‌های مخصوص آب زمزم بنوشی. و اگر میسر شد به حجر الأسود برگشته و آن را استلام کنی، و اگر جمعیت زیاد باشد، باید آن را ترک کرد.

بعضی از اشتباهات و خطاها در اثنای طواف

بعضی از حجاج هنگام طواف اشتباهاتی انجام می‌دهند که باید از آن برحذر بود:

بعضی از طواف کنندگان به داخل حجر اسماعیل عليه السلام رفته، ولی قول صحیح این است که طواف داخل حجر اسماعیل عليه السلام باطل است، و هرکس اینرا انجام داد باید به اندازه هر شوط آن را اعاده کند، چون حجر اسماعیل عليه السلام جزوی از کعبه است، و مسلمان مأمور است تا دور کعبه را طواف کند نه داخل آن را.

بعضی از طواف کنندگان نه تنها تمامی ارکان و نبش کعبه، بلکه به تمامی دیوارهای کعبه، و مقام ابراهیم عليه السلام دست کشیده و مسح می‌کنند، و رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم غیر از حجر الأسود و رکن الیمانی چیز دیگری را استلام نکردند.

بعضی‌ها در اثنای طواف صدای خود را بلند می‌کنند، و مزاحم برادران دیگران می‌شوند، و همچنین برای بوسیدن حجر الأسود و نماز خواندن پشت مقام ابراهیم، و در بعضی وقت‌ها برای بوسیدن آن دعوا و مخاصمه می‌شود، و این درست نیست، و میان زنان و مردان اختلاط بوجود می‌آید، و این فتنه و اذیت مسلمانان است، و زدن و دشنام به دیگران جایز نیست، و باید اخلاق انسان در مقابل اشتباهات دیگران و اساءت آنان در این جا گذشت و بخشش باشد.

بعضی‌ها برای هر شوط دعای ویژه‌ای از کتاب‌های خاصی می‌خوانند، که این یک نوع بدعت بشمار میرود، و از رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم هیچ دعائی بجز

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱]. که بین رکن الیمانی و حجر الأسود گفته می‌شود، چیز دیگری وارد نشده است.

و از پیروی رسول اکرم ﷺ این است که هیچ دعای خاصی در شوط اول تا شوط هفتم نخوانی، و در آخر این کتاب چند دعای برگزیده از قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ آورده ایم تا با آن‌ها دعا کنی و تو را از خواندن دعاها ی دیگر بی‌نیاز می‌کند.

سعی عمره

ای برادر! سپس به سوی صفا و مروه متوجه میشوی، و آن هم دو کوهی است که هاجر همسر ابراهیم علیه السلام هنگامی که تشنگی بر پسرش اسماعیل علیه السلام شدت گرفت بر آن بالا رفت تا دنبال آبی بگردد، و از صفا پائین آمده و کمی راه رفته سپس کمی دویده، سپس باز راه رفته تا اینکه به کوه مروه می‌رسید، و از آن بالا می‌رفت، تا کسی را پیدا کند و آب برای خود و پسرش بیاورد، تا اینکه خدا فرج آورد و آب از نزد اسماعیل علیه السلام بیرون آمد.

برادر عمره کننده! اگر به کوه صفا نزدیک شدی این آیه را تلاوت کن:

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۵۸].

این آیه را در وقت نزدیک شدن به کوه صفا قبل از بالا رفتن تلاوت می‌کنی، و غیر از اینجا بدایت شوط اول در جای دیگر تلاوت نمی‌شود، و در هر شوط تکرار نمی‌شود، سپس به کوه صفا بالا برو، و لازم نیست تا آخر کوه

بالا روی، بلکه کمی از آن کافی است تا اینکه زمین هموار شود، سپس به سوی کعبه متوجه شده بگو: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ».

«الله بزرگ است (سه بار)، به جز الله، معبود دیگری بحق وجود ندارد، یگانه است و شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، وستایش مخصوص اوست، او بر هر چیز توانا است، بجز او معبود دیگری بحق وجود ندارد، یگانه است، اوست که وعده‌اش را تحقق بخشید، و بنده‌اش را پیروز کرد، و به تنهایی گروه‌ها را شکست داد».

این ذکر را سه بار تکرار کرده و بین آن‌ها از خیر دنیا و آخرت برای خود و دیگران می‌خواهی، و اگر از سه بار کمتر باشد این شاء الله اشکالی ندارد. و دست خود را بلند مکن مگر در حال دعا، و در حال تکبیر لازم نیست آن را بلند کرد.

سپس از کوه صفا پایین آمده به طرف کوه مروه بطور عادی راه رفته، خدا را یاد کرده و برای خود و اهل و برادران مسلمان دعا میکنی وقتی که به اولین نشان سبز رنگ رسیدی، در اینحال کمی دویده تا به نشان دوم برسی، تا آنجائی می‌توانی، سپس راه رفته تا به کوه مروه برسی، و هنگام رسیدن به کوه مروه بالا رفته رو به قبله می‌کنی، و آنچه را که در کوه صفا انجام دادی آن را تکرار می‌کنی آن هم عبارتست از: سه بار: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ».

و بین آن‌ها دعا می‌کنی.

سپس رفته تا اینکه به نشان سبز برسی، و همچنان که ذکر شد انجام می‌دهد تا به کوه صفا برسد.

و همینطور سعی را هفت بار انجام بدهد و شوط هفتم باید به کوه مروه پایان یابد، هر بار که از کوه صفا به مروه رفت، یک شوط، و از کوه مروه به صفا، یک شوط بحساب می‌رود.

آرام راه رفتن در ابتدای سعی اشکالی ندارد، و اگر خسته شدی استراحت کن، و یا با گاری آن را بپایان برسان، اگر وقت نماز رسید و در سعی بودی، نمازت را ادا کن و از همانجا که سعی را قطع کرده‌ای آن را ادامه می‌دهی.

و در اثنای سعی مستحب است که انسان وضوء داشته باشد، و اگر سعی کرد و در حال طهارت نبود، سعی او صحیح است، همچنین زن اگر حیض داشت یا نفاس بود، سعی او درست است، چون در سعی طهارت شرط نیست، بلکه مستحب است.

آخرین اعمال عمره

برادر مسلمان! بعد از هفت شوط سعی که از کوه صفا شروع شده بود و در کوه مروه به پایان رسید، موی سر خود را تیغ می‌زنی، اگر نسک تو متمتع بود، و وقت حج نزدیک نباشد، اگر برای حج وقت کافی باشد که موی سرت بلند شود، اگر وقت حج نزدیک بود موی سر خود را کوتاه می‌کنی، و بایستی کوتاه کردن مو شامل تمامی سر شود، نه مانند بعضی از مردم که فقط به کوتاه کردن بعضی از موی سر اکتفا می‌کنند.

زن از هر زلفه خود به اندازه یک بند انگشت موی خود را کوتاه می‌کند. برادر مسلمان! اگر سر خود را تراشیدی و یا کوتاه کردی، چنانکه خدا امر فرموده، و رسول الله ﷺ سنت کرده است، عمره ات به پایان رسیده است،

و نسک خود را اتمام کرده‌ای، و بعد از این همه چیز که قبل از پوشیدن احرام از محظورات احرام بر تو حرام شده بود، بر تو حلال می‌شود، و لباس خود را می‌پوشی، و عطر استعمال می‌کنی، و همسرت بر تو، و هم چنین سایر محظورات احرام بر تو حلال می‌شود.

ولی برادر حاج اگر حج تو قارن و یا مفرد باشد موی سر خود را تراشیده یا کوتاه نمی‌کنی، بلکه در احرام خود باقی می‌مانی تا اینکه روز عید از احرام بیرون آمده حلال شوی.

اعمال حاج در روز ترویبه (۸ ذی حجه)

روز هشتم (۸) ذی حجه بر حاج متمتع مستحب است که از محل سکونت خود قبل از زوال آفتاب احرام ببندد، و اهل مکه اگر خواستند به حج بروند از خانه‌هایشان احرام می‌بندند.

ولی قارن و مفرد که حلال نشده بودند آن‌ها بر احرام خود باقی هستند. متمتع و کسیکه بخواهد به حج برود احرام بسته همه اعمالی که نزد میقات انجام داده بود از غسل و نظافت و بوخوشی و غیره دوباره انجام می‌دهد، سپس برای حج در قلب خود نیت کرده می‌گوید: «لَبَّيْكَ حَجًّا» سپس تلبیه را شروع می‌کند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ».

و تمامی حجاج متمتع و قارن و مفرد در این روز قبل از زوال به صحرای منی می‌روند و در آنجا نماز ظهر و عصر هر کدام را دو رکعت در وقت خود، و نماز مغرب را سه رکعت در وقت خود، و نماز عشاء دو رکعت در وقت خود، و فجر روز نهم دو رکعت می‌خوانند.

برادر حاج! مستحب است که شب عرفه در منی صبح کنی چنانکه رسول الله ﷺ انجام دادند، و وقتی نماز صبح را ادا کردی تا طلوع آفتاب منتظر شوی، و بعد از طلوع آفتاب تلبیه گوین، و تکبیر گوین به سوی عرفات بروی.

اعمال روز عرفه (۹ ذی حجه)

روز عرفه روز مبارکی است خداوند به سبب فراوانی خیرات در آن، و نزول فرشتگان رحمت در آن روز، در قرآن به آن سوگند خورده است، هیچ وقت شیطان حقیرتر و پست‌تر از این روز دیده نشده است.

هرگاه به عرفه رسیدی مستحب است که - اگر برایت میسر شد - در درّه (وادی نمره) تا زوال آفتاب بمانی، چنانکه رسول الله ﷺ آن را انجام دادند، و اگر میسر نشد اشکالی ندارد که در هر جای دیگر داخل حدود عرفه، - چنانکه با علامت‌ها و نشانه‌ها و تابلوهای ارشادی بیان شده - بمانی.

پس از طلوع آفتاب، تا غروب آفتاب در عرفه می‌مانی، و وقت خود را در تلبیه و دعا و استغفار و ذکر خدا می‌گذرانی، هنگام زوال آفتاب و دخول وقت ظهر، بر امام سنت است که خطبه‌ای شامل که بیان کننده همه چیز در آن روز و روز بعدی باشد بخواند، و مردم را وعظ و پند دهد و نصیحت کند، و به احکام اسلام تذکر دهد، و آنچه بر مسلمان مقابل خدا و خانواده و برادران مسلمان خود واجب است بیان کند، چنانکه رسول الله ﷺ چنین انجام دادند.

سپس نماز ظهر و عصر را قصرأً و جمعأً در وقت ظهر با یک اذان و دو اقامه ادا میکند، و قبل از نماز ظهر و بین نماز ظهر و عصر و بعد از نماز عصر هیچ نماز دیگری ادا نمی‌شود.

برادر حاج! و هنگامی که نماز را به پایان رساندی، در این لحظات خدا را بسیار ذکر کن، تا این فرصت بزرگ از تو فوت نشود، و بسیار دعا و ذکر خدا و تسبیح و تحمید و تهلیل و توبه و استغفار کن، تا اینکه آفتاب غروب کند، و در حال دعا کردن دو دست خود را بلند کن در حالی که رویت به قبله است، و در حالی که در خضوع و خشوع و فروتنی باشی، رسول الله ﷺ می‌فرماید: «حَيْرُ الدُّعَاءِ دُعَاءُ يَوْمِ عَرَفَةَ وَحَيْرٌ مَا قُلْتُ أَنَا وَالتَّيُّونَ مِنْ قَبْلِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

بهترین دعا دعای روز عرفه است، و بهترین چیزی که من و پیامبران پیش از من گفته‌اند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۱.

«هیچ معبودی بجز الله بحق وجود ندارد، یکتاست و شریکی ندارد، پادشاهی و حمد از آن اوست، و او بر هر چیز تواناست.»
و از خداوند خیر دنیا و آخرت را بخواه.
و از اعمالی که اجر و ثواب را در این موقف بزرگ از بین می‌برد بر حذر باش.

اشتباهاتی که در روز عرفه رخ می‌دهد

بعضی از حجاج در روز عرفه اشتباهاتی انجام می‌دهند و ما آن را ذکر می‌کنیم تا از آن بر حذر باشی.

۱- بعضی از حجاج خارج از حدود عرفه می‌نشینند، در حالیکه با نشانه‌ها حدود آن معین شده است، آن‌ها ارشاد و راهنمایی می‌شوند، ولی چون عجله دارند تا از عرفه بیرون روند قبول نمی‌کنند، و این

۱- الترمذی، وحسنه الألبانی فی صحیح الترمذی ۱۸۴/۳.

رکن بزرگ را از بین می‌برند، رسول الله ﷺ می‌فرماید: «الْحُجُّ عَرَفَةَ!»^۱

«حج همان روز عرفه و نزول در عرفه است.»

۲- بعضی از حجاج برای رسیدن به جبل الرحمه خود را به زحمت می‌اندازند، و خود را به کوه و سنگ‌های آن می‌مالند و معتقدند که برای آن ویژگی خاصی است، در حالیکه این یک نوع بدعت است باید از آن اجتناب ورزید، و برای حاج کافی است که داخل حدود عرفه در هر جا که باشد بایستد.

۳- بسیاری از حجاج در روز عرفه به شوخی و خنده و سخنانی بی‌فایده مشغول می‌شوند، و ذکر خدا و دعا و استغفار را در این موقف بزرگ ترک می‌کنند.

۴- بعضی از حجاج در حال دعا کردن رو به کوه کرده و قبله را پشت سر خود، یا در دست راست، یا دست چپ خود قرار می‌دهند، ولی سنت این است که اگر میسر شد کوه را بین خود و بین قبله قرار داد، و اگر میسر نشد - غالباً چنین خواهد بود - بسبب ازدحام زیاد - سنت این است که در حال دعا رو به قبله کند، اگر کوه جلو حاج نباشد.

۵- بعضی از حجاج قبل از غروب آفتاب از عرفات خارج می‌شوند، و این جایز نیست، و باید حاج از عرفات خارج نشود تا اینکه آفتاب غروب کند، تأسی و اقتدا به رسول الله ﷺ کند چنانکه فرمودند: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكُمْ».

«مناسک خود را از من بیاموزید».

۶- بعضی از حجاج در خروج از عرفه عجله کرده و تلبیه را فراموش می‌کنند، و تمام تلاش او این است که هرچه زودتر به مزدلفه برسد، و اولی و افضل این است که با سکونت و وقار رفته و در جایی که ازدحام نیست، عجله کند، و در مکان ازدحام با آرامش راه برود، و تلبیه بگوید.

ماندن شب در مزدلفه:

بعد از غروب آفتاب روز عرفه حجاج بسوی مزدلفه بحرکت در می‌آیند، و اولین چیزی که حاج باید وقت رسیدن به مزدلفه انجام دهد ادای نماز مغرب با عشاء جمع و قصر (سه رکعت نماز مغرب و دو رکعت نماز عشاء) است، و آن شب را در مزدلفه بماند، و حریص باش تا زود بخوابی تا هنگام برخاستن برای ادای بقیه مناسک حج روز عید زرنگ و نشیط باشی.

پس هرگاه که صبح طلوع کرد دو رکعت نماز صبح خوانده سپس بسوی مشعر الحرام که کوهی در مزدلفه است رفته و نزد آن بایست و در حال حاضر نزد آن کوه مسجدی بنا شده است، و یا در هر جای دیگر از مزدلفه رو به قبله ایستاده و دعا کن و تکبیر و تهلیل و کلمه توحید را بگو و دست خود را بلند کرده بسیار دعا کن، و همچنان دعا را ادامه بده تا اینکه هوا کاملاً روشن شود.

و هرگاه کاملاً صبح روشن شد، قبل از طلوع آفتاب از مزدلفه بسوی منی حرکت کن، اگر میسر باشد.

سنت است که فقط هفت سنگریزه برای رمی جمره العقبه روز عید از مزدلفه جمع کنی، ولی بقیه سنگریزه‌ها از منی جمع می‌شود، این بهتر است، و از هر جا که سنگریزه‌ها برداشته شود جایز است، اما بسیاری از مردم معتقدند که باید سنگریزه‌ها از مزدلفه جمع شود، و این اعتقاد صحیح نیست، بلکه از هر دو جا (مزدلفه و منی) جایز است.

و این سنگریزه‌ها از دانه نخود کمی بزرگتر است، و رسول اکرم ﷺ از غلو و زیاده روی در دین، و از اینکه حجم این سنگریزه‌ها بزرگ باشد نهی فرموده‌اند.

[النسائی، وابن ماجه، وأحمد وغيرهم، وصححه الألبانی].

و هرگاه سنگریزه‌ها را از مزدلفه جمع کردی با رعایت بسوی مزدلفه برو، و بسیار تلبیه بگو، و مستحب است هرگاه به وادی محسر، که درّه‌ای بین مزدلفه و منی است رسیدی در سیر و حرکت خود تند بروی، ولی بدون اذیت و آزار دیگران، چنان که رسول الله ﷺ آن را انجام دادند، [مسلم].

و رسول الله ﷺ برای زنان و بچه‌ها در شب مزدلفه رخصت داده تا آخر شب بعد از ناپدید شدن مهتاب برای رمی جمره العقبه از مزدلفه به منی بروند. در حالیکه ربع شب و یا نزدیک به ربع آن باقی مانده است.

[روایت بخاری، و مسلم، و دیگری روایت ابو داود و نسائی].

و این حکم خاص و ویژه به این‌هاست، اما مردانی که تحمل زحمت دارند، بر آن‌ها واجب است که بعد از طلوع آفتاب جمره العقبه را رمی کنند، تا اینکه به رسول الله ﷺ تأسی و اقتداء کرده باشند.

اعمال روز ۱۰ ذی حجه (روز عید)

روز دهم ذی حجه، روز عید مسلمانان در تمامی دنیای اسلام است، با سرور و مسرت و خوشحالی آن را استقبال میکنند، و آن روز حج اکبر است، چون بسیاری از اعمال حج در آن رخ می‌دهد مانند: رمی، ذبح هدی، تراشیدن سر، طواف کعبه، و سعی بین صفا و مروه.

برادر حاج! هرگاه صبح روز عید به منی رسیدی چهار عمل انجام می‌دهی که عبارتند از:

۱- بسوی جمره العقبة که آخرین جمره بطرف مکه است رفته، و در آنجا تلبیه را قطع کرده، و منی را در دست راست خود قرار ده، و قبله را در دست چپ، و جمره را مقابل خود و آن را با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی کرده، و با پرتاب هر سنگریزه تکبیر بگو. و این تنها جمره‌ای است که روز عید رمی می‌شود، اما بقیه روزها رمی جمره‌ها بعد از زوال آفتاب خواهد بود.

و جایز نیست که بیشتر و یا کمتر از هفت سنگریزه جمره را رمی کنی، و از غلو بر حذر باش، چون بعضی از حجاج با سنگ‌های بزرگ، با کفش و غیره آن را رمی می‌کنند، و از مزاحمت، و زد و خورد، و آزار و اذیت برادران مسلمان برای رمی جمره بر حذر باش، چون خداوند عبادت و طاعت خود را با اذیت و آزار برادران مسلمان قرار نداده است.

و از افعالی که بعضی مردم انجام می‌دهند بر حذر باش، آن هم اینکه یکبار همه سنگریزه‌ها را یکدفعه پرتاب میکنند، و هر کس اینکار را کرد مانند این است که فقط یک سنگریزه پرتاب کرده است، و باید سنگریزه‌های اطراف خود را جمع کرده و بقیه هفت بار را تکمیل کند، و همچنین کسی

که چیزی از سنگریزه‌ها را گم کرد از اطراف خود سنگریزه را جمع می‌کند، اگر هم نزدیک جمره‌ها باشد.

و همچنین از افعال بعضی از مردم نیز بر حذر باش، که هنگام پرتاب کردن سنگریزه بسوی جمره‌ها صدای خود را بلند کرده و فحش و دشنام می‌دهند معتقدند که شیطان را رمی می‌کنند، و این اعتقاد باطل است، زیرا جمرات بایستی با فروتنی و آرامش و با ذکر خدا و دعا پرتاب شوند، و خداوند رمی جمرات را برای برپا داشتن ذکر و یاد خود شرع نموده است.

باید حاج در پرتاب جمرات مواظب باشد چون بعضی از حجاج ستون را رمی می‌کنند، در حالیکه بایستی سنگریزه‌ها در حوض بیفتند، چون ممکن است در حال پرتاب ستون، سنگریزه خارج از حوض بیفتد که این از اشتباهات حجاج بشمار می‌رود، و مقصود از پرتاب کردن، افتادن سنگریزه‌ها در حوض است، نه خوردن و اصابت کردن آن‌ها به ستون.

۲- اگر از رمی جمره فارغ شدی، و حج متمتع و یا قارن بودی، هدی را ذبح کن، و از آن گوشت بخور و به فقراء صدقه کن، و به کسانی که دوست داری هدیه کن، حال چه ذبح در منی باشد که بهتر است، یا در مکه باشد، و خارج از حدود (مرز) مکه ذبح نمی‌شود.

۳- و هرگاه از ذبح هدی فارغ شدی، موی سر خود را کوتاه کن و بهتر این است که آن را با تیغ بزنی، چون رسول الله ﷺ برای کسیکه موی خود را تیغ می‌زند سه بار دعای مغفرت کردند، و فرمودند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّقِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّقِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّقِينَ ثُمَّ دَعَا لِلْمُقَصِّرِينَ مَرَّةً وَاحِدَةً»^۱.

«پروردگارا! حلق کنندگان (کسانی که موی سر را تیغ می‌زنند) مورد بخشش قرار بده، و سه بار آن را تکرار کرد، سپس برای کسانی که موی سر را کوتاه می‌کنند یکبار دعا کرد».

و زن از هر زلفه خود به اندازه یک بند انگشت موی خود را کوتاه می‌کند.

برادر حاج! اگر جمرة العقبة رمی کردی، و موی سر را تیغ زده و یا کوتاه نمودی، همه چیز بر تو حلال خواهد شد، مگر نزدیکی با زن، و اینرا تحلل اول می‌نامند.

و در اینحال سنت است که خود را تمیز کرده و عطر زده و بهترین لباس‌هایت را بپوشی.

۴- برادر حاج! هرگاه از رمی جمره و ذبح هدی، و تیغ زدن سر و یا کوتاه کردن آن فارغ شدی بسوی مکه رفته و طواف کن که آن را طواف الإفاضة و یا طواف زیارت گویند، و صفت آن همانند طواف عمره و یا طواف قدوم که قبلاً ذکر شد می‌باشد، ولی در آن الرمل (یعنی کمی دویدن با نزدیکی پاها)، و اضطباع وجود ندارد، و طواف می‌کنی در حالیکه با وضو هستی و لباس خود را پوشیده‌ای، و هنگامی که از طواف فارغ شدی اگر امکان پذیر بود پشت مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز بخوان، در حالیکه در این وقت بر حاج مشکل است که پشت مقام ابراهیم علیه السلام نماز بخواند، آن هم بسبب شلوغی و ازدحام شدید، پس بهتر است که از مقام دور شود تا نه به مردم اذیت رساند، و نه مردم او را اذیت و آزار دهند، و از آب زمزم بنوش همچنانکه قبلاً ذکر کردیم، سپس بسوی کوه صفا رفته و هفت بار بین صفا و مروه سعی کن، چنانکه در صفت عمره گذشت، و این سعی بر شخص متمتع واجب است، چون سعی اول او برای عمره بود، و این

سعی برای حج اوست.

ولی بر شخص قارن و مفرد، فقط یک سعی واجب است، پس اگر در طواف قدوم سعی کرده است برای او از سعی افاضه کافی است و لازم نیست دوباره سعی کند، و اگر قارن و مفرد در قدوم خود سعی نکرده‌اند سعی بر ایشان واجب می‌شود.

جایز است که طواف افاضه را یک و یا دو روز به تأخیر اندازی، یا اینکه آن را در پایان مناسک حج و هنگام خروج از مکه با طواف وداع انجام دهی، و یک سعی انجام می‌شود.

برادر حاج! اگر جمره العقبة را رمی کردی، و موی خود را تیغ زده و یا کوتاه کردی، و طواف افاضه را انجام دادی، و سعی برای کسی که سعی بر او واجب است انجام داد، همه چیز حتی زن بر او حلال می‌شود، و این را تحلل دوم می‌نامند.

بهتر است که برادر حاج این چهار چیز را بطور ترتیب چنانکه وارد شده انجام دهد، اول رمی جمره العقبة، سپس ذبح هدی، بعد تیغ زدن مو و یا کوتاه کردن آن، سپس طواف، و بعد از آن سعی برای متمتع، و شخص قارن و مفردی که با طواف قدوم سعی نکرده باشد.

این چنین رسول الله ﷺ در حجة الوداع انجام دادند.

ولی اگر چیزی بر چیز دیگر تقدیم و یا تأخیر افتاد هیچ اشکالی ندارد و این شاء الله حج صحیح است.

چون یاران از رسول اکرم ﷺ در روز عید پرسش می‌کردند که تیغ زدن را بر ذبح هدی تقدیم داشته، و یا طواف را بر رمی جمره تقدیم داشته‌اند... تا آخر و در جواب آن‌ها حضرت ﷺ می‌فرمودند: «أَفْعَلْ وَلَا حَرَجَ». انجام ده که هیچ اشکالی ندارد، و این بر این دلالت می‌کند که خداوند بر

بندگانش آسان می‌گیرد، و نشانهٔ رحمت و شفقت اوست.
خدایا سپاس برای تو است که آسان گردانیدی و راه را بر بندگان آشکار نمودی.

اعمالی که حاج در روزهای تشریق انجام می‌دهد

برادر حاج: روزهای تشریق (۱۱،۱۲،۱۳) است که روزهای خوردن و آشامیدن و ذکر و یاد خداست و روزه گرفتن در این روزها جایز نیست، مگر برای کسی که هدی پیدا نکرده باشد.

در این روزها چیزهایی بر تو واجب می‌شود که عبارتند از:

۱- سه شب را در منی ماندن، و یا دو شب برای کسیکه عجله داشته باشد، واجب آن است که بیشتر شب را در منی بماند، چه از اول شب، و چه از آخر آن، ولی بهتر آن است که تمامی شب را در منی بماند و از آن خارج نشود، چه در شب و یا در روز، مگر برای غرض معینی مانند طواف و سعی، سپس به جایگاه خود در منی باز گردد.

۲- رمی جمرات سه گانه هر روز بعد از زوال آفتاب، و اما قبل از زوال آفتاب جایز نیست، چون رسول الله ﷺ بعد از زوال رمی کردند، و اگر جایز بود برای آسان بودن به امت خود آن را قبل از زوال انجام می‌دادند، و صفت رمی جمره‌های سه گانه چنین است:

أ- جمره اول را که نزدیک به مسجد (خیف) است شروع کرده و آن را با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی می‌کند، و با هر رمی دست خود را بلند کرده و تکبیر می‌گوید، و باید مطمئن شد که سنگریزه در حوض افتاده است، و اگر در حوض نیفتد کافی نیست، سپس بجلو رفته و کمی از شلوغی دور شده، و رو به قبله کرده و دست‌ها را بلند کرده و از خیر و خوبی دنیا و آخرت از خداوند طلب می‌کند و بسیار دعا می‌کند.

ب- سپس به جمره وسطی (میانه) رفته و با هفت سنگریزه پشت سر هم آن را رمی می‌کند، و با هر پرتابی تکبیر گفته، سپس کمی از شلوغی دور شده، رو به قبله کرده و دست خود را بلند کرده و بسیار دعا می‌کند.

ج- سپس بسوی جمره العقبة رفته و آن را با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی کرده، و با هر پرتابی تکبیر می‌گوید، ولی بعد از آن در اینجا دعائی نیست، و باید بعد از آن بسوی محل اقامت رفت تا روز دیگر.

سپس باید در روز (۱۲) بعد از زوال آفتاب چنانکه در روز اول انجام شد جمره‌های سه گانه را رمی کرد.

پس اگر حاج عجله‌ای داشته باشد قبل از غروب آفتاب روز (۱۲) از منی بسوی مکه متوجه می‌شود تا طواف وداع را انجام دهد، و اگر خواست که تأخیر کند، در شب (۱۳) در منی مانده و بعد از زوال آفتاب جمره‌های سه گانه را چنانکه گذشت رمی می‌کند.

برادر حاج! سنت است که در این روزها بعد از نمازهای فرض تکبیر گفت و ذکر و یاد خدا را بسیار کرد، شب و روز و هنگام ذبح هدی، و خوردن، و رمی جمره‌ها، و در همه حال.

طواف وداع

بعد از این که خداوند به آن‌ها توفیق ادای مناسک حج بطور کامل داد و چنان که خدا و رسول خدا ﷺ امر کرده‌اند مناسک حج انجام شد، اینجاست که کاروان‌های حجاج سرزمین‌های مقدس را ترک می‌کنند، و طواف وداع که آخرین واجبات حج است برای کسی که بخواهد از مکه بسوی دیار خود باز گردد واجب می‌شود، رسول الله ﷺ فرمودند: «لَا يَنْفِرَنَّ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ آخِرُ عَهْدِهِ بِالْبَيْتِ»^۱. «هیچکس (مکه را ترک نکند) مگر اینکه آخرین اعمال و عهد و پیمان او طواف (کعبه) وداع باشد». و درباره زن حائض و نفساء (زایمان) رخصت است که طواف وداع را ترک کنند، ولی غیر از این افراد ترک طواف وداع برای کسی جایز نیست. صفت طواف وداع مانند طواف عمره است، مگر اینکه حاج با لباس خود طواف می‌کند، و در آن (رمل) و (اضطباع) سنت نیست.

برادر حاج! بعد از طواف دو رکعت نماز سنت پشت مقام ابراهیم عليه السلام را اداء کن، سپس از حرم خارج شده و دعای خروج از مسجد را بگو و آن هم «بِسْمِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ»^۲. «به نام الله، و درود و سلام بر رسول الله ﷺ، الهی! من از تو فضل و احسانت را می‌خواهم».

۱- مسلم.

۲- مسلم و غیره.

سپس با سلامتی و حفظ خدا به وطن خود بازگرد، اگر بعد از طواف وداع نماز فرضی آمد و یا خواستی نماز نافله‌ای بخوانی اشکالی ندارد، لیکن بایستی زیاد مکث نکنی، بکوش که طواف وداع آخرین توقف تو در مکه باشد.

زیارت مسجد رسول الله ﷺ

برادر مسلمان! خداوند بر تو منت گذاشت و حجتش را بر تو تمام کرد، نماز در مسجد الحرام را که هر نماز در آن برابر با صد هزار نماز در مساجد دیگر است نصیب تو کرده است، از اتمام این فضیلت این است که به زیارت مسجد رسول الله ﷺ در طيبة الطيبة، مدينة المباركة مهاجر رسول الله ﷺ رفته‌ای و در آنجا نمازی که میخوانی هر نمازش برابر هزار نماز در مساجد دیگر می‌باشد، مگر مسجد الحرام، و شما را به چند تذکر یادآوری می‌کنیم:

۱- زیارت مسجد النبوی طاهر و پاک هیچ ارتباطی به حج ندارد، پس نه از واجبات، و نه از ارکان حج است، و زیارت آن در تمامی سال مستحب است، و چون در این کشور بودی سخن از زیارت آن مناسب آمد، ولی حدیث: «من حج ولم یزرني فقد جفانی». حدیث مجعول و ساختگی است و از رسول اکرم ﷺ نیست.

۲- برادر زائر! هرگاه به مسجد نبوی وارد شدی مستحب است که پای راست را در هنگام دخول جلو بگذاری و این دعاء را بخوانی: «أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ»^۱.

۳- دو رکعت نماز تحیه مسجد را ادا می‌کنی، مانند بقیه مساجد، و هرچه خواستی دعا می‌کنی، بهتر است که این دو رکعت را در روضه شریفه اداء کنی، و آن هم بین منبر و بین خانه پیامبر ﷺ که در آن قبر وجود دارد، چون رسول الله ﷺ فرمودند: «مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَمَنْبَرِي عَلَيَّ حَوْضِي»^۱.

«در بین منبر و خانه ام باغچه‌ای از باغچه‌های بهشت است، و منبر من در روز قیامت بر حوض کوثر قرار دارد».

۴- سپس ای برادر زائر به نزد قبر رسول الله ﷺ برای سلام برو، با ادب و فروتنی و با صدای آرام مقابل قبر ایستاده و چنین سلام کن:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَوَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»^۲.

«سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای محمد، بار إلهها! بر محمد و آل محمد درود بفرست، همچنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، همانا تو ستوده و باعظمت هستی، بار إلهها! بر محمد و آل محمد برکت نازل فرما، همچنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت نازل کردی، همانا تو ستوده و باعظمت هستی».

و اگر این دعا را اضافه کنی خوب است: «أشهد أنك رسول الله حقاً، وأنتك بلغت الرسالة، وأديت الأمانة وجاهدت في الله حق جهاده، ونصحت الأمة،

۱- رواه البخاری ومسلم.

۲- البخاری.

فجزاك الله عن أمتك أفضل ما جرى نبياً عن أمته».

«گواهی می‌دهم که تو پیامبر حق بودی، و رسالت را ابلاغ کردی، و امانت را ادا نمودی، و در راه خدا جهاد کردی، و اُمت را نصیحت فرمودی، پس خدا پادش تو را بهترین پادشی که هر پیامبری از امت خود می‌دهد، عطا فرماید».

چون این‌ها همه از اوصاف او ﷺ می‌باشد.

سپس کمی جلو رفته و بر ابوبکر الصدیق رضی الله عنه سلام کن، و آنچه مناسب دعای خوب از رحمت و مغفرت باشد برای او بگو، سپس کمی به طرف راست جلو رفته و بر عمر بن الخطاب رضی الله عنه سلام کن و آنچه مناسب دعای خوب از رحمت و مغفرت باشد برای او بگو.

۵- برادر زائر! بعضی از زائرین مسجدالنبوی کارهایی مخالف با تعالیم اسلام، و گفته پیامبر ﷺ انجام می‌دهند، پس از آن‌ها بر حذر باش، چون بعضی از زائرین به سنگ‌ها و پنجره‌ها دست می‌کشند، طوری که می‌خواهند دور آن‌ها طواف کنند، و بعضی از آن‌ها از رسول خدا ﷺ طلب قضای حاجت و شفای مریضان میکنند، و مانند این‌ها، که هیچ کدام از این‌ها جایز نیست، و اگر این‌ها حق بود، رسول الله ﷺ انجام آن را به ما امر می‌فرمودند، و صحابه و یاران رضی الله عنهم آن را انجام می‌دادند.

۶- برای زن، زیارت قبر رسول الله ﷺ و دیگر قبرستان‌ها جایز نیست، لیکن زن مسجد النبی را زیارت کرده و در آن عبادت خدا می‌کند، و از مکان خود بر رسول الله ﷺ درود می‌فرستد و سلام می‌کند، چون هر جا باشد این سلام به او می‌رسد.

۷- برادر زائر! مادامیکه در مدینه هستی بر مردان زیارت قبرهای بقیع، و

از جمله آن‌ها خلیفه سوم عثمان بن عفان رضی الله عنه، و قبرهای شهدای احد، و قبر حمزه رضی الله عنه سنت است، چون رسول الله صلی الله علیه و آله آن‌ها را زیارت می‌کرده و بر ایشان دعا می‌فرمودند، و چنین می‌فرمودند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ يَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَفْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ نَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ»^۱.

«سلام بر شما مؤمنان و مسلمانانی که ساکن این دیار هستید، و ما بخواست خداوند به شما خواهیم پیوست، خداوند بر گذشتگان و آیندگان از ما رحم بفرماید، و برای خودمان و برای شما از خداوند آرزوی سلامت و عافیت داریم».

۸- برادر و خواهر زائر: از اماکنی که آن را زیارت جایز است: مسجد قباء است، چون رسول الله صلی الله علیه و آله بطور پیاده و سواره زیارت آن می‌کردند و در آن دو رکعت نماز می‌خواندند.^۲

و در فضیلت نماز در آن از سهل بن حنیف آمده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِدَ قُبَاءٍ فَصَلَّى فِيهِ صَلَاةً كَانَ لَهُ كَأَجْرِ عُمْرَةٍ»^۳.

«هرکس در خانه خود وضو بگیرد، سپس به مسجد قباء رفته و نماز بخواند، برای او مانند اجر عمره است».

۱- مسلم.

۲- البخاری و مسلم.

۳- النسائی، وابن ماجه، وأحمد والحاكم، وصححه الألبانی.

برادر حاج! در پایان این کتاب تو را به چند وصیت و تذکر سفارش می‌کنیم، ممکن است که به تو نفع برساند، چون فضای وسیع بیت الله الحرام جایی است که به طاعت و بندگی انسان کمک کرده و او را از معصیت دور می‌دارد.

۱- بر ادای نمازهای پنجگانه در مسجد الحرام حریص باش، و زود در مسجد حاضر باش، و تا آنجایی که در توان باشد در خشوع و خضوع نماز کوشا باش.

۲- تلاوت قرآن از بزرگترین قربات به خدا است، پس برای خود در این حج و عمره برنامه‌ای قرار ده تا بتوانی به قدر توانایی خود بخش‌هایی از قرآن را بخوانی.

۳- نماز در مسجد الحرام برابر با صد هزار نماز در مساجد دیگر است، پس بر ادای نوافل و سنن حریص باش، مردی به نزد رسول الله ﷺ آمد و از او خواست تا در بهشت با آن حضرت باشد، آنحضرت ﷺ فرمودند: «أَعِنِّي عَلَى نَفْسِكَ بِكَثْرَةِ السُّجُودِ»^۱.

«مرا بر یاری ات به بهشت با ادای نوافل بسیار کمک کن. یعنی نوافل و سنن بسیاری انجام ده تا در بهشت با من باشی».

۴- از نیکی‌هاست که بر اذکار صبح و شام محافظت کنی، پس تلاش کن تا آن را حفظ نمائی، آن هم از روی بعضی از کتاب‌های اذکار مانند کتاب الشیخ بکر بن عبدالله ابوزید عضو هیئت کبار علماء.

۵- بر اخلاق و معامله خوب حریص باش، و از بدی دوری کن.

۶- ای برادر! به سوی توبه بشتاب، و صفحه نو برای زندگی خود باز کن که پر از ایمان و عمل صالح و نیک باشد، امید است که این سفر

مبارک در خیری باشد که تو را به خالق و مولایت نزدیک کند.

قال تعالی: ﴿قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٦﴾ وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ ﴿٥٧﴾ وَأَتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٨﴾ أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتَنِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ ﴿٥٩﴾ أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٦٠﴾ أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةٌ فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦١﴾ بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكٰفِرِينَ ﴿٦٢﴾ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٦٣﴾ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٤﴾﴾ [الزمر: ٥٣-٦١].

«(ای پیامبر، از سوی من) بگو: ای بندگان که بر خود اسراف کرده‌اید، از رحمت خدا ناامید نشوید. به راستی خداوند همه گناهان را می‌بخشد. بی‌گمان اوست آمرزگار مهربان. و پیش از آنکه عذاب به شما رسد، آنگاه یاری نیابید به سوی پروردگارتان، باز آید و در برابر او تسلیم شوید. و پیش از آنکه ناگهان عذاب به شما رسد و شما ناآگاه باشید، از بهترین آنچه از سوی پروردگارتان به شما نازل شده است، پیروی کنید. که (مبادا) کسی بگوید: وای بر من به خاطر کوتاهی‌ای که در حق خدا کردم، و بی‌گمان از ریشخندکنندگان بود. یا بگوید: اگر خداوند مرا هدایت می‌کرد، به یقین از پرهیزگاران بودم. یا چون عذاب را ببیند، بگوید: ای کاش بازگشتی داشتم تا از نیکوکاران باشم. (خداوند می‌فرماید:) آری آیات من به تو رسید و آن‌ها را

دروغ انگاشتی و کبر ورزیدی و از کافران شدی. و روز قیامت آنان را که بر خداوند دروغ بستند، خواهی دید که چهره‌هایشان سیاه شده است. آیا برای متکبران جایگاهی در دوزخ نیست؟ خداوند پرهیزگاران را قرین رستگاری شان نجات می‌دهد. به آنان رنجی نرسد و نه اندوهگین شوند».

و در پایان: هدیه الحاج و المعتمر (بنیاد هدیه حج و معتمرین)، از خدا مسئلت دارد تا سعی شما مشکور، و حج و عمره‌تان مقبول باشد، و شما را سالم و با پاداشی فراوان به خانواده‌تان برگرداند، و بر ما و شما پایداری و استوار بودن بر دین و عمل نیک منت گذارد.

ادعیه ثابت از قرآن و سنت رسول الله ﷺ

﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾
[الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا! ما بر خویشتن ستم کرده ایم و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی از زیان دیدگان خواهیم بود.»

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [البقرة: ۱۲۷].
«ای پروردگارا ما! (این عمل را) از ما بپذیر. بی گمان تو شنوا و دانا هستی.»

﴿وَتُوبَ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ۱۲۸].
«و ما را ببخشای. بی گمان تو بس توبه پذیر و مهربانی.»
﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿١٤٠﴾﴾ [ابراهیم: ۴۰].

«پروردگارا، مرا و (کسانی) از فرزندان مرا، نمازگزار کن، پروردگارا! دعا و نیایش مرا بپذیر.»

﴿رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَتِي وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ [النمل: ۱۹].

«پروردگارا! چنان کن که پیوسته سپاسگزار نعمتهائی باشم که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، و مرا توفیق عطا فرما تا کارهای نیکی را انجام دهم که تو از آنها راضی باشی، و مرا در پرتو مرحمت خود از زمره بندگان شایسته ات گردان.»

﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَأَحْلِلْ عُقْدَةَ مِنِّي لِسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾﴾ [طه: ۲۵-۲۸].

«پروردگارا، سینه ام را بر من بگشا. و کارم را بر من آسان گردان. و گره از زبانه بگشای. تا اینکه سخنان مرا بفهمند.»

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۷].

«پروردگارا! گناهانمان را ببخشای و از زیاده روی ها و تند روی هایمان صرف نظر فرمای و گمراهیمان را استوار بدار. و ما را بر گروه کافران پیروز بگردان.»

﴿رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾ [الکهف: ۱۰].
«پروردگارا! ما را از رحمت خود بهره مند، و راه نجاتی برایمان فراهم کن.»

﴿وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾﴾ [المؤمنون: ۹۸].

«پروردگارا! خویشتن را از وسوسه های اهریمنان در پناه تو میدارم. و خویشتن را در پناه تو میدارم از اینکه با من گرد آیند.»

﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۗ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۗ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۲۸۶].

«پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را بدان مگیر، پروردگارا! بار سنگین را بر دوش ما مگذار آنچنان که بر دوش کسانی که پیش از ما بودند گذاشتی، پروردگارا! آنچه را که یارای آن را نداریم بر ما بار

مکن، و از ما درگذر، و ما را ببخشای، و به ما رحم کن، تو یاور و سرور مائی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.»

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿۸﴾﴾ [آل عمران: ۸].

«پروردگارا! دل‌های ما را از راه حق منحرف مگردان بعد از آنکه ما را رهنمود و هدایت نمودی، و از جانب خود رحمتی به ما عطاء کن، بیگمان بخشایشگر تویی تو.»

﴿رَبَّنَا أَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿۶۵﴾ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿۶۶﴾﴾ [الفرقان: ۶۵-۶۶].

«پروردگارا! عذاب دوزخ را از ما دور بدار، چرا که عذاب آن گریبانگر هر کس که شد از او جدا نمی‌گردد، بیگمان دوزخ بدترین قرارگاه و جایگاه است.»

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿۷۴﴾﴾ [الفرقان: ۷۴].

«پروردگارا! همسران و فرزندان ما عطاء فرما که (به سبب انجام طاعات و عبادات و دیگر کارهای پسندیده) مایه سرور ما و باعث روشنی چشمانمان گردند، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.»

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿البقرة: ۲۰۱﴾﴾ [البقرة: ۲۰۱].

«پروردگارا! در دنیا به ما نیکی رسان، و در آخرت نیز به ما نیکی عطاء فرما.»

﴿اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ وَعَذَابِ النَّارِ، وَفِتْنَةِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ،

وَشَرَّ فِتْنَةِ الْغَنَى، وَشَرَّ فِتْنَةِ الْفَقْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْ قَلْبِي بِمَاءِ الثَّلْجِ وَالْبَرْدِ، وَنَقِّ قَلْبِي مِنَ الْخَطَايَا، كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَبَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْمَأْتَمِ وَالْمُعْرَمِ^۱.

«خدایا از فتنه دوزخ و عذاب دوزخ، و فتنه قبر، و عذاب قبر، و شر فتنه ثروت‌مندی، و شر فتنه فقیری، به تو پناه می‌برم. خدایا از فتنه دجال مسیح به تو پناه می‌برم، خدایا، قلبم را با آب یخ و تگرگ بشوی، و قلبم را از گناهان پاک گردان، همچنانکه لباس سفید از چرک پاک می‌شود، و بین من و بین خطاهایم دوری بینداز، چنانکه بین مشرق و مغرب فاصله انداختی.»

خدایا! از تنبلی و پیری و گناه و بدهکاری، به تو پناه می‌برم.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ وَالْهَرَمِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ»^۲.

«خدایا! همانا من از ناتوانی و تنبلی و ترس و پیری و بخیلی، و از عذاب قبر، و از فتنه زندگی و برزخ، به تو پناه می‌برم.»

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ، وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ»^۳.

«خدایا! من از شدت رنج بلا، بدبختی، قضا و سرنوشت بد، و از خوشحالی دشمن، به تو پناه می‌برم.»

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا

۱- البخاری و مسلم.

۲- البخاری و مسلم.

۳- البخاری و مسلم.

مَعَاشِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ
وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ»^۱.

«خدایا! دین مرا اصلاح کن، که آن سبب سلامت کار من است، و دنیایم را اصلاح کن، که روزی من در آن است، و آخرت مرا اصلاح کن، که معاد و بازگشت من به آن است، و زندگی را در خیر بسیار، و مرگ را از هر شر برایم راحت بگردان.»

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتُّقَى وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى»^۲.

«خدایا! از تو هدایت و تقوا و پاکی و بی‌نیازی خواهانم.»

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْهَرَمِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا وَرَزَقَهَا أَنْتَ خَيْرٌ مِنْ رِزْقِهَا أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا».

«خدایا! هرآینه من از ناتوانی و تنبلی و ترس و پیری و بخیلی، و از عذاب قبر به تو پناه می‌برم، خدایا! به نفسم تقوا عطا فرما و آن را پاک گردان؛ که تو بهترین پاک‌کنندگانی. تو مالک نفس من و صاحب آن هستی.»

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا»^۳.

«خدایا! از علم و دانشی که سود و فایده‌ای نمی‌رساند، و از دلی که فروتن نمی‌شود، و از نفسی که سیر نمی‌شود، و از دعایی که مستجاب نمی‌شود، به تو پناه می‌برم.»

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ وَجَمِيعِ

۱- مسلم.

۲- مسلم.

۳- مسلم.

سَخَطِكَ»^۱.

«خدایا! من از زوال و نیست شدن نعمت بر خودم، و از برگشتن تندرستی‌ام (به‌سوی بیماری و ناخوشی) و از عقوبت ناگهانی‌ات، و از خشم و غضبت، به تو پناه می‌برم».

«اللَّهُمَّ أَكْثَرَ مَا لِي وَوَلَدِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِي، وَأَطْلِ حَيَاتِي عَلَى طَاعَتِكَ وَأَحْسِنْ عَمَلِي، وَاغْفِرْ لِي»^۲.

«خدایا مالم و اولادم را زیاد کن، و بر آنچه به من عطا فرمودی برکت ده، و زندگی‌م را بر طاعت خود طولانی، و کارم را نیک بگردان، و گناه‌م را ببخش».

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الْأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ»^۳.

«معبودی به حق نیست مگر خدای بزرگ و بردبار. معبودی به حق نیست مگر پروردگار عرش بزرگ. معبودی به حق نیست مگر پروردگار آسمان‌ها و زمین و عرش بزرگ».

«اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»^۴.

«خدایا، من رحمتت را آرزومندم، پس هرگز مرا به خود به یک چشم زدن هم وامگذار، و تمامی امورم را اصلاح فرما، خدایی بحق نیست مگر تو».

۱- مسلم.

۲- اوله في البخاری و مسلم من دعاء النبي ﷺ لأنس، و آخره أخرجه البخاری في الأدب المفرد، و الترمذی.

۳- البخاری و مسلم.

۴- أبو داود و أحمد و حسنه الألبانی و غيره.

«اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ، عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدْرِي، وَجَلَاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي»^۱.

«خدایا من بنده توام، پسر بنده تو، پسر کنیز تو، پیشانی ام (زمامم) به دست توست، حکمت بر من جاریست، و حکمت بر من عدل است، از تو خواهانم با توسل به هر اسمی که از آن تو است، و تو خود را به آن نامیده‌ای، و یا آنر در کتاب نازل کرده‌ای، و یا آن را به یکی از بندگانت آموخته‌ای، و یا آن را در علم غیب نزد خود برگزیده‌ای، که قرآن را بهار قلبم، و نور سینه ام، و صیقل دهنده اندوهم، و دور کننده غمم بگردانی».

«اللَّهُمَّ مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ صَرِّفْ قُلُوبَنَا عَلَى طَاعَتِكَ»^۲.

«ای دگرگون کننده دل‌ها! دلم را به سوی طاعتت هدایت کن».

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ سَمْعِي وَمِنْ شَرِّ بَصَرِي وَمِنْ شَرِّ لِسَانِي وَمِنْ شَرِّ قَلْبِي وَمِنْ شَرِّ مَنِيِّ»^۳.

«خدایا، من از شر گوش، چشم، زبان، قلب، آرزویم، بتو پناه می‌برم».

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ وَالْأَعْمَالِ وَالْأَهْوَاءِ»^۴.

«خدایا، از بدی اخلاق، و اعمال، و هوا و هوس به تو پناه می‌برم».

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفْوٌ كَرِيمٌ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي»^۱.

۱- أحمد والحاكم، وحسنه ابن حجر، وصححه الألباني.

۲- مسلم.

۳- أبوداود والنسائي والترمذي، وصححه الألباني.

۴- الترمذي وابن حبان والحاكم والطبراني.

«خدایا، تو عفو کننده و کریم هستی، و عفو را دوست داری، پس مرا عفو نما».

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَتَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ وَحُبَّ الْمَسَاكِينِ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَإِذَا أَرَدْتَ فِتْنَةً فِي قَوْمٍ فَتَوَفَّنِي غَيْرَ مَفْتُونٍ وَأَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَى حُبِّكَ»^۲.

«خدایا، من از تو اعمال خیر، و ترک منکرات، و محبت مساکین را خواهانم. مرا ببخشای، و رحمت کن، و اگر به قومی فتنه‌ای خواستی، مرا بدون فتنه بمیران، و محبت تو، و محبت کسانی که تو را دوست دارند خواهانم، و محبت عملی را که به محبت تو نزدیک می‌کند».

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرٍ مَا سَأَلَكَ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَادَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ كُلَّ قَضَاءٍ قَضَيْتَهُ لِي خَيْرًا»^۳.

«خدایا! همه خیرات را از تو خواهانم، زود و دیر، آنچه من می‌دانم، و آنچه نمی‌دانم، و از همه شرور به تو پناه می‌برم، زود و دیر، آنچه من می‌دانم، و آنچه نمی‌دانم، خدایا، از بهترین چیزی که بنده و پیامبرت از تو پرسیدند، خواهانم، و از بدترین چیزی که بنده و پیامبرت از آن پناه

۱- الترمذی.

۲- أحمد و الترمذی و الحاكم.

۳- ابن ماجه و أحمد و الحاكم و صححه و وافقه الذهبي.

خواستند، پناه می‌خواهم، خدایا، بهشت و آنچه مرا به آن نزدیک می‌کند از قول و عمل، از تو خواهانم، و از دوزخ، و آنچه به آن نزدیک می‌کند، از قول و عمل، به تو پناه می‌برم. و از تو خواهانم آنچه برایم سرنوشت کرده‌ای، همه آن را را خیر بگردان.»

«اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِالْإِسْلَامِ قَائِمًا، واحْفَظْنِي بِالْإِسْلَامِ قَاعِدًا، واحْفَظْنِي بِالْإِسْلَامِ رَاقِدًا، وَلَا تَشْمِتْ بِي عَدُوًّا حَاسِدًا، وَاللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرِّ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ»^۱.

«خدایا! مرا مسلمانی، ایستاده و نشسته و خوابیده نگهدار، و دشمنی و حسد کننده‌ای را بر من خوشحال مگردان، خدایا، هر خوبی را که گنجینه آن به دست توست، از تو مسئلت دارم، و از هر شری که گنجینه‌اش به دست توست، به تو پناه می‌برم.»

«اللَّهُمَّ أَفْسِمَ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا تَحُولُ بِهِ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتِكَ، وَمِنْ الْيَقِينِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيْنَا مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا، وَمَتَّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا، وَأَبْصَارِنَا، وَقُوتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا، وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثَأْرَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا، وَانصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا»^۲.

«خدایا! از ترس خود به ما ارزانی بدار تا مانع ما از ارتکاب گناه باشد، و از طاعت خود به ما عطا فرما تا ما را به بهشت برساند، و یقین به ما ارزانی دار تا مصیبت‌های دنیا برایمان آسان گردد، و گوش و چشم‌هایمان، و سایر قوای بدنی مان را تا زنده‌ایم از ما بگیر، و آن را نگاه، و ما را صاحب این نعمت‌ها

۱- الحاکم و صححه و وافقه الذهبی.

۲- الترمذی، والحاکم و صححه و وافقه الذهبی.

گوش، و چشم، و سایر قوای بدن) بگردان، (نه اینکه قبل از مردن از بین برود)، و انتقام ما را از ستمگران بگیر، و بر دشمنان نصرت ده، و مصیبت ما را در دین ما قرار نده، و دنیا را مهم‌ترین قصد و اراده ما قرار مده، و دنیا را منت‌های علم و دانش ما قرار مده، و کسی را که به ما رحم نمی‌کند بر ما مسلط مگردان.»

«اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ»^۱.

«خدایا! همانا من به خود ظلم کردم، ظلمی بسیار زیاد و جز تو کسی گناهان را نمی‌آمزد، پس مرا بیامرز، به خاطر فضل و کرم خودت، و به من رحم فرما. همانا تو بسیار آمرزنده و مهربانی.»

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مَوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعِزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ»^۲.

«خدایا، آنچه که موجب رحمت می‌شود، و به مغفرت کمک می‌کند، و سلامتی از هر گناه، و غنیمت از هر خیر، و فیروزی بهشت، و نجات از دوزخ را، از تو خواهانم.»

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ عِنْدَ كِبَرِ سِنِيَّ وَانْقِطَاعِ عَمْرِي»^۳.

«خدایا، فراخی روزیت را در هنگام پیریم، و از دنیا رفتنم قرار ده.»

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشْرِكَ بِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا أَعْلَمُ»^۴.

«خدایا، من از اینکه دانسته به تو شرک ورزم، به تو پناه می‌برم، و از آنچه

۱- البخاری و مسلم.

۲- الحاکم و صححه ووافقه الذهبی.

۳- الحاکم و صححه الألبانی.

۴- أحمد و صححه الألبانی.

نمی دانم استغفار می کنم».

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا طَيِّبًا وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا»^۱.

«خدایا، علمی سودمند، و روزی حلال، و عملی مقبول از تو خواهانم».

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَسْأَلَةِ وَخَيْرَ الدُّعَاءِ وَخَيْرَ النَّجَاحِ وَخَيْرَ الْعَمَلِ وَخَيْرَ الثَّوَابِ وَخَيْرَ الْحَيَاةِ وَخَيْرَ الْمَمَاتِ وَتَبَتَّنِي وَثَقَّلَ مَوَازِينِي وَأَحَقَّقَ إِيْمَانِي وَارْفَعَ دَرَجَتِي وَتَقَبَّلَ صَلَاتِي وَاعْفُرْ خَطِيئَتِي، وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فَوَاحِشَ الْخَيْرِ وَخَوَاتِمَهُ وَجَوَامِعَهُ وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ، وَالدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ آمِينَ، اللَّهُمَّ وَنَجِّنِي مِنَ النَّارِ وَمَغْفِرَةَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْمَنْزِلَ الصَّالِحَ مِنَ الْجَنَّةِ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَلَاصًا مِنَ النَّارِ سَالِمًا، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ آمِنًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي نَفْسِي وَفِي سَمْعِي وَفِي بَصَرِي وَفِي رُوحِي وَفِي خُلُقِي وَفِي خَلِيقَتِي وَأَهْلِي وَفِي مُحْيَايَ وَفِي مَمَاتِي، اللَّهُمَّ وَتَقَبَّلْ حَسَنَاتِي، وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ آمِينَ»^۲.

«خدایا، بهترین مسئلت، و بهترین دعا، از تو خواهانم، و بهترین پیروزی، و بهترین عمل، و بهترین پاداش، و بهترین زندگی، و بهترین مُردنی از تو خواهانم، مرا پایدار گردان، و ترازوی اعمال نیکم را سنگین گردان، ایمانم را به یقین برسان، و درجاتم را بلند، و نمازم را قبول فرما، و گناهم را ببخش، و بلندترین درجات بهشت را از تو خواهانم، خدایا، فاتحه و خاتمه خیرها، و جامع آن، و ظاهر و باطن آن، و درجات بلند بهشت را از تو خواهانم، آمین. خدایا، بهترین چیزی که بر آن می آیم، و انجام می دهیم، و بهترین آشکار و درون، و درجات بلند بهشت را از تو خواهانم، آمین.

۱- ابن ماجه، وصحه الألبانی.

۲- الحاکم ووصحه ووافقه الذهبی.

خدایا، از تو خواهانم تا ذکرم را بلند گردانی، و گناهانم را بکاهی، و امورم را اصلاح کنی، و قلبم را پاک گردانی، و شرم گاهم را محفوظ بداری، و قلبم را نورانی کنی، و گناهانم را ببخشی، و بلندترین درجات بهشت را از تو خواهانم، آمین.

خدایا! از تو می‌خواهم که در نفس، گوش، چشم، روح، خلقت، اخلاق، اهل، زندگی، مردن، کارم، برکت دهی، و نیکی‌هایم را مقبول گردانی، و بلندترین درجات بهشت را از تو خواهانم، آمین.»

«اللَّهُمَّ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّي وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ يَظْلِمُنِي وَخُذْ مِنْهُ بِثَأْرِي»^۱.

«خدایا، در گوش، چشم مرا خوش بگذران، و وارث من قرار ده، و مرا بر کسی که به من ستم کرد نصرت ده، و انتقام مرا از او بگیر.»

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَيْشَةً نَقِيَّةً وَمَيِّتَةً سَوِيَّةً وَمَرَدًا غَيْرَ مَحْزُولًا فَاضِحًا»^۲.

«خدایا! زندگی پاک، و مردنی خوب و بازگشتنی بدون خواری و رسوائی، از تو خواهانم.»

اللهم صلي وسلم على محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

۱- الترمذي، والحاكم وصححه ووافقه الذهبي.

۲- البزار في الزوائد، والطبراني.